

Analysis of Article 1056 of the Civil Code from the Perspective of Jurisprudence and Family Law

Abolfazl ‘Alī Shāhī Ghaleh‘joughi^{*}

Fāṭimih Akbarīyān Chināristān ‘Ulyā^{**}

(Received: 04/08/2020; Accepted: 06/12/2020)

Abstract

Preservation of lineage is one of the purposes of Sharia, which has become the criterion for legislating rulings in Islam. Within man, there is sexual desire, and to meet this need, marriage is placed. On the other hand, in order to preserve the institution of the family, Islam has banned and punished sodomy (homosexuality), which is detested by a healthy nature and religion, and which medically leads to physical, mental and spiritual illnesses. From the perspective of jurisprudence, sodomy has consequences for the issue of marriage, one of which is prohibition of a sodomite from marriage with the mother, sister and daughter of the person with whom he committed this act. In Article 1056 of the Civil Code, the legislator, following the jurisprudence, suffices to mention the general law, which prohibits marriage with the above-mentioned examples, and does not specify whether titles such as "boy" mentioned in the law are relevant or exemplary. Does this ruling include only three relative titles; mother, sister and daughter or does it also include breastfeeding titles? Do the reluctance and coercion that generally lead to the removal of responsibility, also remove the prohibition of marriage in this matter? What is the meaning of the "heinous act" mentioned in the narrations and the legal article? This study, by referring to jurisprudential sources and examining the reasons, seeks to eliminate the ambiguities mentioned in this legal article. At the end of the research, some suggestions have been made to amend Article 1056 of the Civil Code.

Keywords: Marriage, Prohibition of Marriage, Sodomy, Civil Code, Homosexuality.

* Associate Professor, Department of Theology, Farhangīyān University, Tehran, Iran (Corresponding Author), A.Alishahi@cfu.ac.ir.

** Master’s Graduate, Yasouj University, Yasouj, Iran akbarianfatemeh@yahoo.com.

تحلیل ماده ۱۰۵۶ قانون مدنی از منظر فقه و حقوق خانواده

ابوالفضل علیشاهی قلعه جوقی*

فاطمه اکبریان چنارستان علیا**

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۶]

چکیده

حفظ و پاس داشت نسب، یکی از مقاصد شرع است که ملاک برای قانون گذاری احکامی در اسلام شده است. در درون انسان، نیروی جنسی وجود دارد و برای رفع این نیاز، ازدواج قرار داده شده است. از سوی دیگر، اسلام برای حفظ نهاد خانواده، لواط (همجنس گرایی) را که فطرت سالم و شرع از آن بیزار است و از نظر پزشکی به بیماری های جسمی، روانی و روحی می انجامد، تحریم کرده و برای آن مجازات قرار داده است. از منظر فقه، لواط، پیامدهایی بر مسئله ازدواج دارد که بر این کار شنیع مترتب می شود. یکی از این آثار، حرمت ازدواج لواط کننده با مادر، خواهر و دختر فردی است که با وی این عمل را انجام داده است. در ماده ۱۰۵۶ قانون مدنی، قانون گذار به پیروی از فقه، به ذکر قانون کلی آن که حرمت تزویج با مصادیق یاد شده است، بسنده کرده و مشخص نکرده است که آیا عناوینی مانند «پسر» که در قانون آمده است، موضوعیت دارد یا از باب نمونه ذکر شده است؟ آیا این حکم، فقط عناوین سه گانه نسبی (مادر، خواهر و دختر) را در بر می گیرد یا عناوین رضاعی را هم شامل می شود؟ آیا اکراه و اجبار که رافع مسئولیت اند، در این مسئله نیز رافع حرمت تزویج اند؟ مقصود از «عمل شنیع» مذکور در روایات و ماده قانونی چیست؟ این پژوهش، با مراجعه به منابع فقهی و بررسی ادله، در صدد رفع ابهامات یاد شده در این ماده قانونی برآمده است. پایان پژوهش، برای اصلاح ماده ۱۰۵۶ قانون مدنی پیشنهادهایی مطرح شده است.

کلیدواژه ها: ازدواج، حرمت نکاح، لواط، قانون مدنی، همجنس بازی.

* دانشیار گروه الاهیات، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران (نویسنده مسئول) A.Alishahi@cfu.ac.ir

** دانش آموزخته کارشناسی ارشد، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران akbarianfatemeh@yahoo.com

مقدمه

واژه «لواط» یا از «لوط» به معنای عمل قوم لوط (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۴۵۰) یا از «لصق» به معنای اتصال و چسبندگی گرفته شده است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲۲۱/۵). در اصطلاح، آمیزش و رابطه نامشروعی است که دو نفر مذکر با هم داشته باشند (مفید، ۱۴۱۳: ۷۸۵). این کار به ارتباط با هم جنس مذکر مشهور شده است (بطحایی گلپایگانی، ۱۳۸۲: ۱۳). با یک بار واقع شدن این عمل، لواط صدق می‌کند و حرمتی که فرض بحث در این پژوهش است به وجود می‌آید. البته در غرب برای کسی که این رفتار، روند زندگی‌اش شده و مبتلا به آن است، اصطلاح «هموسکشوالیسم» (Homosexualism) به کار می‌رود.

طبق ماده ۱۰۵۶ قانون مدنی، اگر کسی با پسری عمل شنیع کند، نمی‌تواند مادر، خواهر یا دختر او را تزویج کند. این ماده، که به قاعده حرمت ناشی از لواط شناخته شده است (بیات و بیات، ۱۳۹۳: ۴۷۴)، از جهات گوناگون ابهام و اجمال دارد؛ نخست اینکه آیا این حکم به جز ازدواج دائم، ازدواج موقت را نیز شامل می‌شود؟ آیا حرمت ازدواج عناوین یادشده، به جز فاعل، مفعول را هم شامل می‌شود؟ آیا حرمت به وجود آمده، در صورت‌های اختیار، اکراه و اجبار با هم تفاوتی دارد؟ آیا حکم، افزون بر خویشاوندان نسبی، خویشان رضاعی را نیز در بر می‌گیرد؟ آیا شرط سنی در منشأ این تحریم دخالت دارد؟ آیا حرمت به عناوین سه‌گانه اختصاص دارد یا اینکه دیگر عناوین را نیز در بر می‌گیرد؟ این پژوهش به پرسش‌های یادشده پاسخ خواهد داد.

۱. مفهوم‌شناسی واژه «شنیع»

واژه «شنیع» از «شنع» به معنای زشتی چیزی (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۲۵۷/۱) بلکه بالابودن آن چیز در زشتی است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲۱۸/۳) و در اصطلاح به افعالی گفته می‌شود که مربوط به انحرافات روابط جنسی است. برای نمونه، این اصطلاح درباره قیادت (علم‌الهدی، ۱۴۱۵: ۵۱۵)، لواط (مغنی، ۱۳۷۹: ۲۶۴/۶)، زنا (گلپایگانی، ۱۴۱۲: ۱۹۳/۱) و مانند آن به کار رفته است. البته به نظر می‌رسد در کتاب‌های فقهی، بیشتر در لواط، که زشت‌تر از دیگر محرّمات هم‌نوع خود است، به کار رفته است. بر اساس ماده ۲۳۳ قانون مجازات اسلامی، «لواط» عبارت از دخول اندام تناسلی مرد به اندازه ختنه‌گاه در دبر انسان مذکر است، و به دخول کمتر از ختنه‌گاه، «تفخیز» صدق می‌کند. در ماده ۱۰۵۶ قانون مدنی به جای ذکر «لواط» برای رعایت ادب، عفت و نجابت، از لفظ «عمل شنیع» استفاده شده است.

۲. تحریم لواط در قرآن، روایات و عقل، و پیامدهای ناگوار آن

زشتی لواط بیش از زنا است. زیرا خداوند قوم لوط را به علت عمل لواط نابود کرد، ولی کسی را به علت زنا هلاک نکرده است. این عمل که مخالف با طبیعت آدمی است، مفاسدی همچون فساد تدبیر و اندیشه، ویرانی دنیا و بی‌استفاده ماندن زنان را در پی دارد. بنابراین، اهمیت دادن به زنان و پاس داشتن روابط خانوادگی و تحکیم آن را می‌توان از علل تشریح حرمت مذکور دانست. دلیل حرمت لواط در روایات، فساد و قطع نسل معرفی شده است. لواط باعث اشباع بدلی شهوت می‌شود، با هدف آفرینش مغایرت دارد، علاقه به همسر را از میان می‌برد و شالوده خانواده را از هم می‌پاشد. همچنین، بیماری‌های بسیاری را سبب می‌شود و حیا و عفت را از بین می‌برد.

امام صادق علیه السلام علت حرمت لواط را چنین بیان می‌کند: «اگر آمیزش با پسران حلال بود، مردان از زن‌ها بی‌نیاز (و نسبت به آنان بی‌میل) می‌شدند و این باعث قطع نسل انسان می‌شد، آمیزش طبیعی جنس موافق و مخالف از میان می‌رفت و این کار مفاسد اخلاقی و اجتماعی بسیاری را به بار می‌آورد» (مجلسی، ۱۴۱۰: ۳۶۸/۱۰۰). حرمت این عمل شنیع، صرفاً به سبب زشتی آن نیست، بلکه انسان را به فسادهای دیگری نیز می‌کشاند و فرد از هیچ آلودگی جنسی پروا ندارد. ضمن اینکه این عمل، نسل بشر را به فنا و نابودی می‌کشاند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۲۴/۱۶).

قرآن، این عمل را نوعی تجاوز و عدوان، مایه رسوایی و خواری جامعه، عملی اسراف‌کارانه، جاهلانه و موجب فسق دانسته است (شعراء: ۱۶۶، اعراف: ۸۱، انبیاء: ۷۴؛ نمل: ۵۴). در روایات نیز این حرمت به روشنی بیان شده است. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «لواط در کمتر از دبر، یعنی فخذین و ران‌ها، است و دخول در دبر کفر است» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۴۴/۵). در این روایت، امام علیه السلام در مقام بیان مراتب لواط است؛ لواطی که افراد شنیده‌اند و به این اندازه اهمیت دارد، در پایین‌تر از دبر است، اما اگر دخول در دبر واقع شود، حکم این بالاتر از حرمت، یعنی کفر، است.^۱

از نگاه عقل نیز می‌توان گفت قطعاً عقل مستقل آلوده نشده به شهوت، ممنوعیت لواط و همجنس‌گرایی را می‌پذیرد؛ چراکه بدون تردید، نابودی بنیادی نظام خانواده، برهم خوردن تعادل روانی و عاطفی افراد، رواج بی‌هویتی دینی، تمسخر ارزش‌ها و حذف آرامش روحی و روانی، افزایش تشویش و انحرافات در جامعه، رواج بیماری‌های فراوان، همه از خسارات ناشی از همجنس‌گرایی است (عزیزیان و مولوی وردنجانی، ۱۳۹۶: ۱۹۳).

۳. ادله حرمت ازدواج لواطکننده با مادر، دختر و خواهر مفعول

فقیهان امامیه معتقدند اگر کسی با پسر صغیر یا مردی لواط کند، مادر، دختر و خواهر آن پسر بچه یا مرد بر لاطی حرام است و اسلام به منظور حفظ و تحکیم روابط خانوادگی و اهمیت دادن به شخصیت زن، این مسئله را مطرح کرده است (محقق داماد، ۱۳۹۵: ۱۲۹). دلیل این حکم فقهی، روایاتی است که در این باره آمده است:

۱. امام صادق علیه السلام درباره مردی که با پسر بچه‌ای همجنس‌بازی کرده، فرموده است: «اگر دخول صورت گیرد، در این صورت خواهر و دختر لواطشونده بر لواطکننده حرام می‌شود» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۴۱۷/۵).

۲. در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام درباره کسی پرسیده شد که با پسری همجنس‌بازی می‌کند. آیا مادر وی بر لواطکننده حلال است؟ حضرت فرمود: «اگر اندام تناسلی فرو رفته باشد، ازدواج با مادر وی جایز نیست» (همان، ۲).

۳. از امام صادق علیه السلام درباره ازدواج با زنی پرسیده شد که با برادر وی آمیزش شده باشد. حضرت فرمود: «در صورت دخول، ازدواج با آن خانم حرام است» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۴۴۴/۲۰).

۴. در حدیثی دیگر از امام صادق علیه السلام درباره مردی که با پسری آمیزش کرده است پرسیدند که آیا بر آن مرد، ازدواج با خواهر پسر، حلال است. حضرت فرمود: «اگر دخول کرده باشد، ازدواج جایز نیست» (همان: ۴۴۵).

۴. منحصر نبودن تحریم به مصادیق سه‌گانه

برخی از فقها عمومیت حکم را نپذیرفته‌اند و جدات و نوه‌ها را مشمول این حکم ندانسته‌اند (فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۱۸۸/۷). در دیدگاهی دیگر گفته شده است که در اثر لواط، دختر (هر چه پایین‌تر برود)، خواهر و مادر (هر چه بالاتر برود) مفعول، بر فاعل حرام ابدی می‌شوند. ولی دخترخواهر مفعول بر فاعل حرام نمی‌شود (ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۵۲۵/۲؛ حلی، ۱۳۸۸: ۶۳۳). با این حال، بستگان دیگر، مثل دخترعمو، دختردایی و دخترخاله مفعول بر فاعل حرام نمی‌شوند. زیرا اجماع وجود دارد که حرمت نسبت به واطی فقط شامل مادر، دختر و خواهر می‌شود و ازدواج با خویشاوندان دیگر برای او اشکالی ندارد (حسینی روحانی، ۱۴۱۲: ۳۰۵/۲۱). با نگاه به عرف و متفاهم عرفی می‌توان دیدگاه دوم (حرمت ازدواج با دختر مفعول و هر چه پایین‌تر برود و خواهر و مادر وی

و هر چه بالاتر برود) را درست دانست؛ ضمن اینکه لفظ «ام» بر جده، لفظ «بنت» بر دختر دختر و دختر پسر نیز صادق است (همان: ۲۹۹/۲۱).

۵. اختصاص حکم تحریم تزویج به فاعل

از منظر برخی از فقیهان، حرمت ازدواج با عناوین سه گانه طرفینی است؛ یعنی همان گونه که عناوین سه گانه مفعول بر فاعل حرام است، مادر، دختر و خواهر فاعل بر مفعول نیز حرام می شود (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۴۸/۲۹؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۱۸۸/۷). برخی از پژوهشگران حقوقی نیز به این دیدگاه گرایش پیدا کرده و گفته اند چرا باید ازدواج از یک طرف ناپایدار و از طرف دیگر صادق و پایدار باشد، و گفته شود که مفعول می تواند با دختر، خواهر یا مادر آن مرد ازدواج کند (یوسفزاده، ۱۳۹۰: ۹۸).

در نگاهی دیگر، دیدگاه نخست مردود شمرده شده و بر نپذیرفتن چنین دیدگاهی ادعای اجماع شده است (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۱۷: ۱۳۴/۶؛ حائری طباطبایی، ۱۴۱۸: ۲۳۹/۱۱)؛ زیرا در ادله ای مانند روایات یادشده، پرسش درباره حکم کننده کار (فاعل) است و طبیعتاً به مقتضای پرسش، پاسخ داده می شود و کاربرد ضمیر در دو مرجع نیاز به قرینه دارد که در فرض یادشده چنین قرینه ای وجود ندارد، چراکه ظاهر حدیث، حرمت ازدواج فاعل با دختر و خواهر مفعول است.

اینکه حرمت ازدواج در روایات، فقط برای فاعل قرار داده شده است، به این نکته روان شناسی برمی گردد که گزینه جنسی در مرد چنین اقتضا می کند که فاعل باشد نه غیر آن، چراکه احساس مفعول بودن در مرد، باعث اختلالات رفتاری و بیماری های روانی می شود (حسینی، ۱۳۹۷: ۲۲۷). گذشته از این، لواط از رغبت و علاقه به زن می کاهد، به گونه ای که مرد دیگر قادر نخواهد بود با همسر خود نزدیکی کند و این خود سبب می شود مهم ترین وظیفه زناشویی، که تولید نسل است، از بین برود، و بیماری های روانی و عصبی و همچنین ویروس ایدز و سایر بیماری های خطرناک بروز کند. از سوی دیگر، در روایات، لفظ «غلام»، یعنی پسر، وارد شده است. پس بعید به نظر می رسد که مثلاً غلام بخواند با مادر فاعل ازدواج کند، ولی عکس این مطلب بعید نیست (یعنی ازدواج رجل با مادر پسر) (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹: ۲۲۴۳/۷). قرآینی که می تواند اختصاص حکم به فاعل را در پی داشته باشد از این قرارند: اولاً مؤاخذه ای بودن این حکم، اقتضا می کند که حکم متوجه فاعل باشد؛ زیرا در اینجا فاعل

معمولاً لذت جنسی می‌برد و مفعول به حسب نوع از لذت جنسی برخوردار نیست. دوم اینکه با توجه به روایات که در آن لفظ «رجل» و «غلام» آمده است، معمولاً این عمل با اکراه فاعل نسبت به مفعول صورت می‌گیرد. سوم اینکه غلام به اعتبار غلام بودن، اراده و تصمیمی برای ازدواج با مثل مادر فاعل ندارد و این فرض بسیار بعید و دور از ذهن است (همان: ۲۲۴۴/۷). چهارم، علت اینکه مفعول می‌تواند با عناوین یادشده فاعل ازدواج کند این است که این حکم برای جلوگیری از حس تحقیر زن در برابر مرد، و جلوگیری از گسیختن خانواده است، و بالفرض که در اینجا زن نسبت به شوهر خود حس تحقیر پیدا کند، این امر موجب از هم گسیختگی خانواده نخواهد شد، زیرا تفوق اجتماعی مرد بر زن آن را جبران می‌کند، مخصوصاً اینکه شوهر حق طلاق دارد و در صورت حس تحقیر و تحمل‌ناپذیر بودن آن برای زن، می‌تواند به وسیله طلاق خود را آزاد کند (امامی، بی‌تا: ۳۲۹/۴). از جهت قانونی نیز می‌توان گفت از سکوت ماده به دست می‌آید که مفعول می‌تواند با عناوین یادشده فاعل ازدواج کند و منعی از این جهت وجود ندارد (محمودی، ۱۳۸۱: ۱۲۰).

۶. شمول حکم نسبت به عناوین سه‌گانه رضاعی

درباره شمول این حکم به خویشاوندان رضاعی دو دیدگاه مطرح شده است. در دیدگاه نخست، کسی که از طریق شیر خویشاوند تلقی شود؛ مانند اینکه نسبت مادر یا خواهر یا دختر رضاعی را پیدا کند، از باب مجاز است و فقط نسبتی که از راه خون و تولد باشد، حقیقی است. یعنی مادری که فرد را به دنیا می‌آورد، مادر حقیقی او است. همچنین، دختر و خواهری که رابطه خونی با فرد دارند، دختر و خواهر حقیقی شخص‌اند (محقق کرکی، ۱۴۱۴: ۳۱۷/۱۳). برخی از حقوق‌دانان نیز به این دیدگاه گرایش پیدا کرده‌اند (امامی، بی‌تا: ۳۲۸/۴)؛ آنها معتقدند ماده ۱۰۴۶ قانون مدنی که می‌گوید: «قربان رضاعی از حیث حرمت نکاح در حکم قربان نسبی است»، تا حدی نارسا است و این عبارت قانونی قابلیت تفسیری اصل قاعده را (یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب) را ندارد، ضمن اینکه ماده قانونی ۱۰۵۶ درباره بحث رضاع ساکت است و چنان‌که نتوان ماده ۱۰۴۶ را توسعه داد، نکاح با آنان ممنوع نیست و توسعه تفسیر ماده مزبور تا این درجه برخلاف روش قضایی است (همان: ۲۹۶/۴).

در دیدگاه دوم، حرمت عناوین سه‌گانه موطوئه بر واطی، هم خویشاوندان نسبی و

هم خویشاوندان رضاعی را در بر می‌گیرد. بنابراین، ازدواج با مادر، دختر و خواهر رضاعی موطوئه بر واطی حرام است (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۱: ۲۵۸). دلیل این دیدگاه روایتی است که در آن گفته شده «رابطه‌ای که به واسطه نسب حرام است، به واسطه رضاع نیز حرام می‌شود» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۸۶/۳). برخی از حقوق دانان نیز به سبب وجود همین دلیل از این دیدگاه پیروی کرده‌اند (طاهری، ۱۴۱۸: ۱۰۳/۳؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸: ۸۵).

در پاسخ به دیدگاه نخست، می‌توان گفت چون شیرخوارگی در زمان کودکی ایجاد همخوانی می‌کند، در این دوره اندام‌های بدن طفل کامل نیست. پس اگر از شیر زنی تغذیه کند، از نظر همخوانی مانند فرزند او خواهد بود و همان معایبی که در زناشویی با خویشان نسبی وجود دارد درباره خویشاوندان رضاعی نیز به بار می‌آید (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۸۸). از منظر حقوقی نیز دیدگاه دوم صحیح‌تر به نظر می‌رسد. زیرا همان‌گونه که برخی از شارحان قانون مدنی گفته‌اند، از صدر ماده ۱۰۴۶ قانون مدنی معلوم است که قرابت رضاعی در ردیف قرابت نسبی در باب موانع نکاح قرار دارد. در واقع، ماده ۱۰۴۶، موضوع ماده ۱۰۴۵ را در همه جا تعمیم می‌دهد (حائری شاه‌باغ، ۱۳۷۶: ۹۱۶). بنابراین، همه کسانی که به سبب خویشاوندی نسبی با مفعول، ازدواج با آنها بر فاعل حرام است، به دلیل قرابت رضاعی نیز بر او حرام خواهند بود. پس همان‌گونه که مادر مفعول بر فاعل حرام می‌شود، با مادر رضاعی وی نیز نمی‌تواند ازدواج کند.

۷. جواز ازدواج فرزندان لواط‌کننده با مفعول

بر دو فردی که با یکدیگر عمل لواط کرده‌اند، احکامی از جمله حرمت ازدواج عناوین سه‌گانه بار می‌شود. اما آیا این احکام بر فرزندان این دو نیز بار می‌شود؟ در دیدگاه نخست، فقیهان معتقدند این دو شخص می‌توانند فرزندان خود را به هم تزویج کنند (بهبهانی، ۱۴۲۱: ۲۵۳/۲)؛ چون روایات غیر آن سه عنوان، فرد و عنوان دیگری را حرام نمی‌داند.

دیدگاه دومی هم در این باره وجود دارد که بر اساس آن، فرزندان نمی‌توانند با یکدیگر ازدواج کنند (مجلسی، ۱۴۱۲: ۶۰۷). پیروان این دیدگاه، برای تأیید سخنشان به روایتی استناد کرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۵۱۷). بر اساس این روایت، هنگامی که لواط صورت گرفته باشد، ازدواج پسر واطی با دختر موطوئه جایز نیست، در حالی که فقها حرمت را فقط به عناوین سه‌گانه اختصاص داده‌اند. در بررسی و نقد روایت می‌توان گفت: ۱.

روایت، شاذ و خلاف نظر مشهور است. زیرا بر تحریم ازدواج دختر واطی بر پسر مفعول، و همچنین برعکس دلالت می‌کند، در حالی که هیچ کدام از بزرگان اصحاب چنین سخنی نگفته‌اند. بنابراین، بهتر است به این روایت عمل نشود (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۷۱/۲۰). ۲. روایت مرسله است (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶: ۱۶۶/۱۴)؛ ۳. وثاقت راوی روایت، یعنی موسی بن سعدان، ثابت نشده و محمد بن علی نیز ضعیف است؛ ۴. از نظر دلالت، روایت نیز ایراد دارد. زیرا احتمال دارد مرجع ضمیر در «له» خود واطی باشد نه پسرش (ابن). از همین رو در این روایت باید توقف کرد و بر اساس آن فتوا نداد (موسوی خویی، ۱۴۱۸: ۲۴۳/۳۲). بنابراین، روشن می‌شود که ازدواج کردن فرزند واطی با دختر، خواهر یا مادر موطئه جایز است و حرمت فعل پدران، مانع ازدواج فرزندان نخواهد شد.

۸. ثبوت حکم در صورت اکراه و اجبار

اگر کسی از روی بی‌اختیاری، مثلاً در حالت مستی، مرتکب چنین عملی شده یا کسی بر ارتکاب این عمل اکراه گردد و با تهدید و ارباب، به این کار اقدام کند و به سبب تهدید به قتل، این عمل را انجام داده باشد، آیا همچنان به حرمت ازدواج واطی با مادر، خواهر یا دختر مفعول حکم می‌شود؟ فقیهان در این باره گفته‌اند: «در این حکم تفاوتی نیست در اینکه از روی، آگاهی، عمد و اختیار باشد یا نباشد» (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹: ۸۲۶/۲). حرمت این عمل شنیع، نیازی به قصد و عمد ندارد، لذا تفاوتی میان اکراه و اختیار نیست. زیرا ادله اطلاق دارد (طاهری، ۱۴۱۸: ۱۰۴/۳). همچنین، می‌توان گفت عمومیت حدیث رفع، احکامی را که بر موضوعات بیرونی و خارجی بار می‌شود بر نمی‌دارد و همان‌گونه که وجوب غسل در این صورت از وی برداشته نمی‌شود، حرمت تزویج نیز به سبب اکراه و مانند آن برداشته نمی‌شود (حسینی روحانی، ۱۴۱۲: ۳۰۴/۲۱).

۹. دخالت نداشتن جهل به موضوع در حکم تحریم

«جهل»، نقیض «علم» است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۳۹۰/۲). جهل در حکم عذرآور نیست، ولی جهل در موضوع، گاه عذرآور است. در فرض جهل، مثلاً فردی تازه مسلمان شده و نمی‌داند که این عمل از گناهان بزرگ است که خداوند به سبب آن قومی را نابود کرده است. مسئله چه حکمی دارد؟ گاهی زن و شوهر هر کدام جاهل به حکم و موضوع هستند، به این صورت که زن موضوع لواط شوهر خود را نمی‌داند با اینکه علم به حکم

مسئله دارد، و شوهر حکم حرمت را نمی‌داند و عمل لواط خود را از همسرش مخفی نگه داشته است. در این صورت چون طرفین در حال جهل‌اند، مرتکب معصیت نشده‌اند و فرزندان‌شان در حکم حلال‌زاده خواهند بود (گلپایگانی، ۱۴۰۹: ۱۹۵/۵). ولی اگر مطلع شوند، عقد ازدواجشان باطل است و هر چه زودتر باید از هم جدا شوند. فرزندان را که بعد از علم به حرمت، نطفه‌شان منعقد شده باشد نمی‌توان ولد حلال دانست؛ زیرا به محض علم و دانستن، پدر و مادر بر یکدیگر حرام ابدی‌اند (موسوی خمینی، ۱۴۲۱: ۳۰۲/۳). لذا علم، موجب حرمت می‌شود و بطلان ازدواج آنها به مجرد علم است و جهل، حرمت و بطلان‌آور نیست.

ممکن است آمیزش با پسر از روی شبهه باشد که در این صورت، نه به جهت اینکه لواط که فعل زشت حرامی است، تحقق پیدا کرده، بلکه به جهت اینکه ایقاب و ثقب که در ادله آمده است، در این فرض نیز صادق است، در نتیجه حکم به حرمت تزویج شامل آن می‌شود (حسینی روحانی، ۱۴۱۲: ۳۰۰/۲۱).

۱۰. شرط نبودن سن در ثبوت حکم تحریم

گروهی از فقها معتقدند فقط در صورت بالغ بودن فاعل، عناوین سه‌گانه بر وی حرام خواهد شد، ولی در صورت بالغ نبودن واطی، چنین حرمتی وجود نخواهد داشت (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۳۲۰/۲). ولی در مفعول بلوغ شرط نیست تا در صورت وجود این شرط (بلوغ) حکم حرمت را بار کرد. زیرا تحریم از باب مجازات و عقوبت است. در نتیجه در جانب موطوء، حکم برای صغیر و کبیر عمومیت دارد (سبحانی تبریزی، ۱۳۷۵: ۳۹۸/۱). بنا بر نظر این گروه از فقها، این شخص فاعل است که در هر صورت (بالغ بودن یا نبودن مفعول) دیگر نمی‌تواند با عناوین سه‌گانه مفعول ازدواج کند. راجع به شخص فاعل باید گفته شود که فقط در صورت بالغ بودن، منع ازدواج شامل وی خواهد شد و حکم تکلیفی بار می‌شود. یعنی «حرام علی الموقب» و در صورت کودک بودن فاعل، به جهت حدیث رفع قلم، تکلیف از وی برداشته خواهد شد.

گروه دوم از فقیهان معتقدند در حرمت ازدواج لواط‌کننده با عناوین یادشده تفاوتی نیست بین اینکه طرفین این عمل، هر دو کودک باشند یا هر دو بالغ باشند یا یکی بالغ و دیگری نابالغ باشد (موسوی خمینی، ۱۴۲۶: ۵۰۵) و در خصوص این عناوین سه‌گانه،

فعلیت شرط نیست. یعنی اگر مفعول در زمان لواط، خواهر یا دختری نداشته باشد ولی پس از سال‌ها خواهر یا دختری پیدا کند، حکم حرمت بار خواهد شد. زیرا از باب احتیاط واجب، فقها حتی در حالت بالغ نبودن به منع ازدواج حکم داده‌اند و برای صحت چنین استعمالی (شمول ایقابِ فاعلِ صغیر در حکم حرمت) لازم نیست در زمان گذشته که فعل واقع شده است، وصف رجولیت صادق باشد، زیرا اگر پسری که به بلوغ نرسیده است مرتکب این عمل شنیع شود، پس از بلوغ عنوان حکم صادق است که بگویند «رجل اوقب»، هرچند ایقاب وی در گذشته انجام شده باشد (اراکی، ۱۳۷۷: ۱۹۷). ضمن اینکه کلمه «غلام» که در جانب مفعول در روایات آمده است، به صغیر و نابالغ اختصاص ندارد، و افراد بالغی که در اوایل سن بلوغ به سر می‌برند، نیز از مصادیق این عنوان‌اند. همچنین، از قیاس اولویت می‌توان این دیدگاه را تقویت کرد؛ به این بیان که شخصی که با افراد با سن بالا این عمل را انجام می‌دهد، آلودگی و انحراف بسیار دارد. پس مجازات حرمت ابد را به طریق اولی باید داشته باشد (شیبیری زنجانی، ۱۴۱۹: ۲۲۲۹/۷). بنابراین، هنگامی که این حکم درباره افراد بالغ صادق باشد، دیگر تفاوتی ندارد که در چه سنی از بلوغ باشد.

در میان پژوهشگران حقوقی نیز برخی معتقدند کلمه «پسر» در این ماده از نظر غلبه است و منظور از «پسر» در اینجا جنس مذکر است و اگر لواط بین جوان با مردی مسن هم واقع شود، حرمت ازدواج یادشده ثابت خواهد بود (جعفرزاده، ۱۳۹۰: ۱۱۶؛ قاسم‌زاده و همکاران، ۱۳۸۲: ۳۶۸). بنابراین، تفاوتی نیست در این جهت که طرفین یا یکی از آنها صغیر یا کبیر باشد، مجنون یا عاقل باشد؛ زیرا این حکم، وضعی است و از اقسام احکام تکلیفی نیست تا شامل صغیر و مجنون نشود (امامی، بی‌تا: ۳۹۰/۴؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۸۶).

۱۱. تحریم تزویج پس از عمل شنیع بر فاعل

برخی از فقها حرمت را از نظر زمان، به صورت مطلق به کار برده‌اند؛ یعنی اینکه هم قبل از عقد و هم بعد از عقد، لواط را موجب حرمت ازدواج با مادر، خواهر و دختر مفعول بر واطی می‌دانند. عبارات فقها در این خصوص اطلاق دارد. شیخ طوسی می‌گوید: «من فجر بغلام فأوقب، حرم علیه العقد علی أمه و أخته و بنته علی جمیع الأحوال» (طوسی، ۱۴۰۰: ۴۵۳). چنانچه پیدا است این قول، اطلاق دارد؛ هم پیش و هم پس از عقد را شامل می‌شود.

برخی دیگر از فقیهان، حرمت را فقط به پس از عقد اختصاص داده‌اند (سبزواری، ۱۴۱۳: ۱۱۵/۲۴). دلیل این قول، روایت است که در آن گفته شده است مردی با برادر زنش لواط کرد. امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که با او ایقاب کرده باشد، زن بر او حرام می‌شود» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۴۴۴/۲۰). این روایت، لواط بعد از عقد را هم موجب بطلان عقد ازدواج می‌داند. در بررسی روایت می‌توان گفت این روایت، مرسل است (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶: ۱۶۳/۱۴). افزون بر آن، می‌توان صحت عقد سابق را استصحاب کرد؛ به این معنا که در گذشته (پیش از عمل لواط)، زن و مرد بر هم حلال بودند و الان شک می‌شود که بر هم حرام‌اند. حلیت و صحت ازدواج، استصحاب می‌شود؛ این خود، مقتضی عدم حرمت در زمان لاحق است (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۱: ۲۵۹). ضمن اینکه این روایت برخلاف مشهور است. زیرا دیدگاه مشهور، لواط پس از عقد را موجب حرمت نمی‌داند و حتی بر عدم حرمت، ادعای اجماع شده است. نتیجه آنکه روایت به سبب ضعف سند و مشهور نبودن عمل (تا جبران ضعف آن را کند)، در خور استناد نیست (موسوی خویی، ۱۴۱۸: ۲۳۹/۳۲). بنابراین، اگر مردی پس از ازدواج با برادر زن خود، لواط کند، خواهر و دختر آن فرد بر او حرام نخواهند شد. از همین رو اگر پس از لواط، ازدواج آنها منجر به طلاق شده و در عده رجوع نکرده باشد و لاطی قصد ازدواج دوباره با آنها را داشته باشد، ازدواج اشکال خواهد داشت (همو، ۱۴۱۲: ۴۰۸). البته اگرچه لواط بعد از عقد موجب حرمت ازدواج با عناوین سه‌گانه نیست (عاملی جبعی، ۱۴۱۰: ۲۰۳/۵) اما از باب احتیاط بهتر است زن و مرد از همدیگر جدا شوند (وحید خراسانی، ۱۴۲۸: ۴۹۹).

ادله تحریم تزویج در صورت وقوع عمل پیش از عقد

دلایل تحریم ازدواج در اثر عمل شنیع پیش از عقد عبارت‌اند از:

۱. در این دوران زمینه برای بسیاری از گناهان، مانند زنا و لواط، فراهم است. زیرا در ایام عزوبت، فرد در مرحله‌ای قرار دارد که برای ارتکاب گناه مستعدتر است و در زمان بعد از عقد ازدواج، چنین گناهایی (لواط) کمتر است. کمتر اتفاق می‌افتد که شخصی بعد از عقد ازدواج با زنی، با برادر همسر خود، لواط کند و نیز جمع شدن با پدر زن و با پسر زن، به مراتب بعیدتر است. از طرفی شاید بتوان گفت عدم حرمت بعد از عقد، از آن رو است که بنیان زندگی‌شان متزلزل نشود.

۲. در روایت آمده است که کار حرام باعث نمی‌شود امری که فعلاً حلال است، حرام شود (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۱۷/۵)؛ ظاهراً منظور حلال فعلی است، زیرا با اجرای عقد، زن بر فرد حلال فعلی می‌شود، اما اینکه کسی بخواهد با این عمل پست شوهر، زن را که حلال فعلی است (یعنی فعلاً بر او حلال است)، بر او حرام کند، امکان‌پذیر نیست؛ زیرا قدر متیقن در این مسئله، همین جایی است که حلال بالفعل باشد. افزون بر این، اصل بر حلیت است و حرمت، عنوان عارضی و بعدی و قید اضافه است و نیاز به دلیل دارد، در حالی که چنین دلیلی موجود نیست (حائری طباطبایی، ۱۴۱۸: ۲۳۸/۱۱). ضمن اینکه، استصحاب زوجیت نیز چنین اقتضا دارد.

۱۲. کیفیت عمل ارتكابی در ثبوت حکم تحریم

در اینکه ایقاب سبب حرمت می‌شود شکی نیست، ولی درباره اینکه آیا ادخال جزئی از حشفه هم موجب حرمت می‌شود، دو دیدگاه مطرح شده است. برخی از فقیهان، ادخال بعض حشفه را موجب حرمت تزویج نمی‌دانند (موسوی خویی، ۱۴۱۸: ۲۳۶/۳۲) و به روایات استناد می‌کنند (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۱۷/۵؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۱۸۸/۲۱). حرمتی که روایات از آن بحث کرده، وابسته به صدق عنوان «ثقب» است و «ثقب» معنای ایجاد فرجه را دارد که باید همه اندام تناسلی یا آن اندازه که نزدیک به تمام باشد داخل شود تا این عنوان صدق کند، نه ادخال سر اندام تناسلی یا جزئی از آن. بنابراین، آنچه مسلم است حرمت به واسطه داخل کردن تمام حشفه است و اثبات حرمت به واسطه داخل کردن بعض حشفه بسیار بعید به نظر می‌رسد (موسوی خویی، ۱۴۱۸: ۲۳۶/۳۲).

در پاسخ می‌توان گفت: اولاً، یکی از روایاتی که خویی آنها را غیرمعتبر می‌داند، از مرسلات ابن‌ابی‌عمیر است که مرسلات وی همچون مسانید او معتبر است (آملی، ۱۴۰۶: ۷۰/۶؛ گلپایگانی، ۱۴۱۲: ۷۶/۱). ثانیاً، ایجاد فرجه که معنای «ثقب» است به معنای فاصله‌انداختن بین اجزاء متصل شیء است و همین که اتصال از میان برود و بین آنها فاصله بیفتد عنوان «ثقب» صدق می‌کند، خواه آن چیزی که این فاصله را ایجاد کرده با تمام اجزایش فرجه را ایجاد کرده باشد یا با بعضی از آنها. لذا مفهوم «ثقب» به معنای ادخال تمام حشفه نیست (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹: ۲۲۱۱/۷). در آخر نیز گفته می‌شود این تفصیل، وجیه به نظر نمی‌رسد؛ چراکه خویی حرمت را در فرض ادخال تمام حشفه

بیان داشته است. چنانچه مبنای نظر خوینی روایات باشد، این نظر با اشکال مواجه است؛ چراکه خوینی فقط دو روایتی را که در آن عنوان «ثقب» دارد معتبر می‌داند و اگر مبنای نظر وی کلمات فقها باشد، باز هم این نظر مناسب به نظر نمی‌رسد؛ زیرا عبارات اکثر قریب به اتفاق آنها به لفظ «ایقاب» است نه «ثقب» و معقد اجماعات قدیماً و حدیثاً نیز به همین لفظ است و «ایقاب» بر ادخال بعض هم صدق می‌کند (همان: ۲۲۱۲/۷). نکته دیگر آنکه، اگر اندام تناسلی فردی بیش از اندازه بزرگ باشد و مقداری از آن به صورت طبیعی داخل نشود، باید بنا بر دیدگاه نخست، حرمت تزویج را جاری ندانست، حال آنکه این سخن، عقلاً و منطقاً درست نیست (همان).

«لواط» از نظر فقهی، وطی دو جنس مذکر از آدم به وسیله دخول و مانند آن است (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۱۷: ۲۵۶/۵)؛ و در ماده ۲۳۳ قانون مجازات، عبارت از دخول اندام تناسلی مرد به اندازه ختنه‌گاه در دبر انسان مذکر است. در تبصره ماده ۲۳۵ قانون مجازات اسلامی، دخول کمتر از ختنه‌گاه در حکم «تفخیز» دانسته شده است. به دیگر سخن، فقها «لواط» را اعم از «تفخیز» و لواط به معنای واقعی می‌دانند؛ یعنی کاربرد «لواط» بر «تفخیز» بر وجه مجاز است (مسعودی‌فر، ۱۳۸۵: ۸۵). چنانچه عمل شنیع لواط از راه دخول انسان مذکر با همجنس خود صورت گرفته باشد، آن را «ایقاب» می‌گویند، ولی هر گاه کسب لذت شهوانی از طریق مالیدن و تماس آلت تناسلی مرد به ران‌ها و نشیمنگاه فرد مذکر دیگری حاصل شده باشد، «تفخیز» گفته می‌شود. بنا بر آنچه گفته شد، در ایقاب، وطی انسان مذکر با همجنس خود لزوماً با دخول تحقق پیدا می‌کند، ولی آنها از نظر نوع حد شرعی متفاوت‌اند (رجبی اصل، ۱۳۹۳). بنا بر مطالب پیش گفته، می‌توان گفت لواط به دو گونه تحقق می‌یابد: لواط ایقابی، لواط غیرایقابی؛ و لواط غیرایقابی همان تفخیز است. حال باید گفت مراد از «ایقاب» آن است که مقداری از اندام تناسلی در دبر (پشت) مذکر دیگری داخل شود، اگرچه فقط به مقدار ختنه‌گاه باشد؛ چراکه «ایقاب» در لغت همان داخل کردن است. لذا با وارد کردن بعض حشفه نیز ادخال صورت گرفته است (فاضل مقداد سیوری، ۱۴۰۴: ۸۷/۳؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۳۷۵/۴۱؛ خوانساری، ۱۴۰۵: ۶۶/۷؛ جمعی از پژوهشگران، ۱۴۱۷: ۲۵۶/۵؛ عاملی جبعی، ۱۴۱۳: ۳۴۳/۷).

به دیگر سخن، دخول مقداری از حشفه نیز مصداق تحقق عمل شنیع است (خواجویی مازندرانی، ۱۴۱۸: ۱۰۳؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲: ۲۸۵). در نتیجه این سخن برخی از

پژوهشگران حقوقی که تفخیز را از مقررات ماده فوق خارج دانسته‌اند (رسولی زکریا، ۱۳۹۶: ۷۲۰)، بر اساس مبانی فقهی سخن درستی نیست و نوع خاصی از تفخیز که در تبصره ماده ۲۳۵ قانون مجازات اسلامی آمده است، داخل در حکم ماده ۱۰۵۶ قانون مدنی است. بنابراین، حکم حرمت ازدواج، دایر مدار دخول تمام حشفه نیست، بلکه با دخول قسمتی از حشفه، حرمت ثابت می‌شود (میزای قمی، ۱۴۱۳: ۳۵۱/۴). حتی اگر لواط به آن صدق نکند. فقط در صورتی که شک یا گمان شود که مقداری از حشفه داخل شده یا نه، ازدواج بر فاعل حرام نمی‌شود. زیرا فقیهان معتقدند در این صورت باید بنا و اصل را بر عدم تحقق دخول گذاشت (قمی، ۱۴۲۳: ۲۸۵/۲)؛ مقصود از اصل، همان اصل استصحاب عدم است، زیرا قبلاً عدم دخول یقینی بوده است و با وجود شک در دخول، عدم دخول گذشته استصحاب می‌شود. در این خصوص نیز برخی از پژوهشگران حقوقی به این مطلب اشاره کرده و ادخال بعض از حشفه را موجب حرمت تزویج دانسته‌اند (جعفرزاده، ۱۳۹۰: ۱۱۶).

۱۳. ابهامات ماده ۱۰۵۶ قانون مدنی

اکنون پس از بحث فقهی، به برخی از ابهامات ماده ۱۰۵۶ اشاره می‌کنیم که می‌گوید: «اگر کسی با پسری عمل شنیع کند، نمی‌تواند مادر یا خواهر یا دختر او را تزویج کند». این ابهامات از این قرارند:

۱. این ماده به صورت کلی بیان شده و در آن مصادیق گفته نشده، حال آنکه کلیت و کلی‌گرایی یکی از ایرادهایی است که می‌توان به قوانین وارد کرد؛ در چنین مواقعی چه بسا کلیت، خود مانع باشد، چراکه مانع شده است مصادیق حکم صراحتاً بیان شود و به نوعی می‌توان گفت صراحت ماده آن‌گونه که شایسته است، روشن نیست و همین مشکل‌آفرین خواهد بود؛ زیرا آمریت قانون چندان واضح نخواهد بود و از آنجا که قانون‌گذار مصادیق را ذکر نکرده و درباره برخی سکوت کرده است، این توهم را موجب می‌شود که در مصادیق ذکر نشده این حکم جاری نیست. بنابراین، شایسته است قانون‌گذار در این ماده و مواد مشابه که اصول و قواعد کلی را تدوین کرده است برای جلوگیری از چنین توهماتی در ضمن همین ماده به صورت چند تبصره مصادیق ماده مد نظر را بیان کند، مثلاً می‌توانست در تبصره‌ای بگوید هم ازدواج دائم را شامل

می‌شود و هم ازدواج موقت را. در تبصره دیگری بگوید چنانچه فاعل صغیر باشد باز هم حرمت شامل وی می‌شود.

۲. در این ماده چنین ذکر شده است که اگر کسی با «پسری» عمل شنیع کند، مشمول حکم حرمت خواهد شد. زیرا آنچه از ظاهر این قول برمی‌آید همین سخن است. ولی از این جهت ساکت است که اگر مفعول، شخص بزرگ‌سالی باشد آیا همچنان حکم حرمت بار می‌شود یا خیر. این‌گونه نیست که حکم فقط به پسر اختصاص داشته باشد و ذکر این قید (پسر) بدین جهت است که اغلب شخصی که این عمل شنیع با او انجام می‌شود، پسر بچه است. نه اینکه این ماده حکم را مخصوص پسر بچه قرار داده است. لذا در طرف مفعول فرقی نیست که پسر بچه باشد یا مرد بالغ و لفظ «پسر» که در ماده ۱۰۵۶ قانون مدنی آمده است، هیچ خصوصیتی در حکم ندارد، بلکه حکم، مطلق ایقاب مذکر را شامل می‌شود. برای همین است که برخی از پژوهشگران در این باره گفته‌اند که اگر به جای «پسر»، «مفعول» نوشته می‌شد بهتر بود. زیرا در این صورت عمومیت پیدا می‌کند و شامل هر کسی که با او مرتکب عمل لواط شوند، اعم از پسر، مرد یا پیرمرد، می‌شود (فراسیون، ۱۳۴۴: ۶۳)؛ یا اینکه به جای واژه «پسر»، واژه «کسی» را با تفسیر «پسر یا بالغ» به کار می‌برد، بهتر بود.

۳. حرمت شامل مصادیق ایقاب می‌شود. به دیگر سخن، در صورتی که ادخالی صورت گرفته باشد، چه کمتر از حشفه و چه بیشتر، حکم حرمت بار می‌شود. اما در لواط غیرایقابی (تفخیذ به غیردخول) حرمت عناوین سه‌گانه مطرح نمی‌شود. از این‌رو می‌توان گفت عنوان «عمل شنیع» که در این ماده به کار رفته است، عنوان کاملی نیست.

نتیجه

لواط که عمل منافی با غیرت است، به گونه‌ای است که نمی‌توان فاعل و کننده‌اش را از مجازات وضعی‌اش تبرئه کرد و مجازات وضعی، همان ایجاد حرمت ازدواج لواط‌کننده با خواهر، مادر و دختر لواط‌دهنده است، جز اینکه یا فرد یقین به دخول نداشته باشد یا تفخیذ باشد که در این دو صورت، حکم حرمت عناوین سه‌گانه بر فاعل بار نمی‌شود. مهم‌ترین دستاوردهای این پژوهش عبارت‌اند از:

۱. لواط‌کننده لازم نیست بالغ باشد، بلکه اگر نابالغ باشد این حکم به اثبات می‌رسد.

۲. برای اثبات حکم حرمت تزویج، لازم نیست لواط‌دهنده نابالغ باشد، بلکه اگر بالغ باشد حکم حرمت تزویج برای لواط‌کننده ثابت خواهد بود.
۳. در حکم حرمت تزویج، میان ازدواج دائم و موقت تفاوتی نیست.
۴. برای ثبوت حرمت، شرط نیست که به اندازه سر اندام تناسلی (حشفه) دخول صورت گیرد، مهم تحقق مسمای دخول است که با دخول جزئی از سر اندام تناسلی نیز تحقق پیدا می‌کند.
۵. در حکم حرمت ازدواج با عناوین سه‌گانه، تفاوت نمی‌کند که نسبی باشند یا رضاعی.
۶. در ثبوت حکم حرمت تفاوتی میان عمد و غیرعمد نیست. یعنی تفاوتی نمی‌کند در اینکه فعل شنیع از روی اختیار یا اکراه و اجبار انجام شده باشد. در هر حال، حرمت تزویج ثابت خواهد بود. با توجه به ابهام‌هایی که در ماده ۱۰۵۶ قانون مدنی وجود دارد، پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار محترم، مصادیق حرمت آن را ذیل همین ماده بیان کند تا با توجه به آمره‌بودن قانون، راهی برای توجیه به سبب ارتکاب این عمل ناپسند وجود نداشته باشد و افراد، سکوت قانون‌گذار را دلیل اعمال ناروای خود قرار ندهند. بنابراین، بهتر است ماده قانونی به این شکل اصلاح شود: اگر کسی (پسر یا بالغ) با فرد دیگری (پسر یا بالغ)، با قصد یا بدون قصد، عمل شنیع لواط را حتی با ادخال جزئی از حشفه انجام دهد، وی نمی‌تواند مادر، خواهر یا دختر نسبی یا رضاعی لواط‌دهنده را تزویج دائم یا موقت کند.

پی‌نوشت‌ها

۱. مقصود کفر واقعی نیست، بلکه شدت در حرمت است و مانند تعبیری است که درباره تارک حج رسیده است: «هر کس کفر ورزد (و حج را ترک کند، به خود زیان رسانده)، خداوند از همه جهانیان، بی‌نیاز است» (آل‌عمران: ۹۷) که شدت وجوب را می‌رساند.
۲. روایت نخست صحیح، و روایت دوم موثق است (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۳۸/۱۲).

منابع

- قرآن کریم (۱۳۷۶). ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی دارالقرآن الکریم.
- آملی، میرزا هاشم (۱۴۰۶). *المعالم المأثورة*، قم: مؤلف الكتاب.
- ابن ادریس حلی، محمد بن منصور (۱۴۱۰). *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن فارس زکریا، احمد (۱۴۰۴). *معجم مقانیس اللغة*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- اراکي، محمدعلی (۱۳۷۷). *کتاب النکاح*، قم: نورنگار.
- امامی، حسن (بی تا). *حقوق مدنی*، تهران: اسلامیة.
- بطحایی گلپایگانی، هاشم (۱۳۸۲). «برگزیده‌ای از طرح آیات الاحکام جزایی قرآن مجید»، در: *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ش ۶۴، ص ۱-۱۴.
- بهبهانی، محمد علی بن وحید (۱۴۲۱). *مقامع الفضل*، قم: مؤسسه علامه مجدد وحید بهبهانی.
- بیات، فرهاد؛ بیات، شیرین (۱۳۹۳). *حقوق مدنی شرح جامع حقوق مدنی*، تهران: ارشد.
- جعفرزاده، علی (۱۳۹۰). *حقوق مدنی خانواده: نکاح و انحلال آن*، تهران: جاودانه و جنگل.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۶۸). *حقوق خانواده*، تهران: کتاب‌خانه گنج دانش.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۶). *دوره متوسط حقوق مدنی خانواده*، تهران: گنج دانش.
- جمعی از پژوهشگران (۱۴۱۷). *معجم فقه الجواهر*، تحت اشراف: محمود شاهرودی، قم: الغدیر للطباعة والنشر والتوزیع.
- حایری طباطبایی، علی بن محمد (۱۴۱۸). *ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالادلالات*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- حائری شاه‌باغ، علی (۱۳۷۶). *شرح قانون مدنی*، تهران: گنج دانش.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). *وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- حسینی روحانی، صادق (۱۴۱۲). *فقه الصادق (ع)*، قم: دار الكتاب، مدرسة الامام الصادق علیه السلام.
- حسینی، سید هادی (۱۳۹۷). «تفاوت‌های بیولوژیک زن و مرد: بدن، روان و هوش»، در: *کتاب نقد*، ش ۲۱۷، ص ۲۲۰-۲۵۹.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۳۸۸). *تذکرة الفقهاء*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- خواجه‌ی مازندرانی، محمد اسماعیل (۱۴۱۸). *جامع الشتات*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- خوانساری، احمد بن یوسف (۱۴۰۵). *جامع المدارک فی شرح مختصر النافع*، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۰۴). *مفردات الفاظ القرآن*، بی جا: دفتر نشر کتاب.
- رجبی اصل، مهدی (۱۳۹۳). «لواط (sodomy)»، در: <https://b2n.ir/996507>
- رسولی زکریا، علی (۱۳۹۶). *شرح قانون مدنی در رویه حقوق کنونی*، تهران: کتاب آوا.
- سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۷۵). *نظام النکاح فی شریعة الاسلامیة الغراء*، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، چاپ اول.

- سزوارى، عبدالأعلى (۱۴۱۳). *مهذب الأحكام*، قم: مؤسسة المنار، دفتر حضرت آيت الله.
- شبيرى زنجانى، موسى (۱۴۱۹). *كتاب نكاح*، قم: مؤسسه رأى پرداز.
- طاهرى، حبيب الله (۱۴۱۸). *حقوق مدنى*، قم: دفتر انتشارات اسلامى.
- طباطبايى حكيمة، محسن (۱۴۱۶). *مستمسك العروة الوثقى*، قم: مؤسسة دار التفسير.
- طباطبايى يزدى، محمد كاظم (۱۴۰۹). *العروة الوثقى مع تعليقات الأمام الخمينى*، بيروت: مؤسسة الاعلمى.
- طباطبايى، سيد محمد حسين (۱۴۱۷). *الميزان فى تفسير القرآن*، قم: مؤسسة النشر الاسلامى.
- طوسى، محمد بن حسن (۱۴۰۰). *النهاية فى مجرد الفقه والفتاوى*، بيروت: دار الكتاب العربى.
- عاملى جبعى (شهيد ثانى)، زين الدين بن على (۱۴۱۰). *الروضة البهية فى شرح اللمعة الدمشقية*، قم: كتاب فروشى داورى.
- عاملى جبعى (شهيد ثانى)، زين الدين بن على (۱۴۱۳). *مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام*، قم: مؤسسة المعارف الاسلامية.
- عزيزيان فارساني، مريم؛ مولوى وردنجاني، سعيد (۱۳۹۶). «جرم انگارى همجنس گرايى با رويکرد انتقادى به ماده ۲۳۷ ق.م.ا.»، در: *مطالعات فقه و حقوق اسلامى*، ش ۱۷، ص ۱۸۳-۲۰۶.
- علم الهدى، مرتضى (۱۴۱۵). *الاتصار فى انفرادات الامامية*، قم: دفتر انتشارات اسلامى.
- فاضل لنكرانى، محمد (۱۴۲۱). *تفصيل الشريعة فى شرح تحرير الوسيلة (النكاح)*، قم: مركز فقهى أئمه اطهار عليهم السلام.
- فاضل لنكرانى، محمد (۱۴۲۲). *تفصيل الشريعة فى شرح تحرير الوسيلة - الحدود*، قم: مركز فقهى أئمه اطهار عليهم السلام.
- فاضل مقداد سيورى، مقداد بن عبد الله (۱۴۰۴). *التنقيح الرائع لمختصر الشرائع*، قم: كتاب خانه آيت الله مرعشى نجفى.
- فاضل همدى، محمد بن حسن (۱۴۱۶). *كشف اللثام والابهام عن قواعد الاحكام*، قم: دفتر انتشارات اسلامى.
- فراسيون، فرهنگ (۱۳۴۴). «مصاهرت»، در: *مجلة كانون*، ش ۷، ص ۵۷-۶۳.
- فراهيدى، خليل بن احمد (۱۴۱۰). *كتاب العين*، قم: هجرت.
- فيض كاشانى، محمد محسن (۱۴۰۶). *الوافى*، اصفهان: كتاب خانه امام امير المؤمنين على عليه السلام.
- قاسم زاده، سيد مرتضى؛ رهپيك، حسن؛ كيايى، عبدالله (۱۳۸۲). *تفسير قانون مدنى*، تهران: سمت.
- قى، عباس (۱۴۲۳). *الغاية القصوى فى ترجمة عروة الوثقى*، تصحيح: على رضا اسداللهى فرد، قم: صبح پيروزى.
- كاتوزيان، ناصر (۱۳۸۴). *حقوق خانواده*، تهران: ميزان، چاپ چهارم.
- كلينى، محمد بن يعقوب (۱۴۰۷). *الكافى*، تهران: دار الحديث للطباعة والنشر.
- گلبايجانى، محمد رضا (۱۴۰۹). *مجمع المسائل*، قم: دار القرآن الكريم.
- گلبايجانى، محمد رضا (۱۴۱۲). *الدر المنضود فى أحكام الحدود*، قم: دار القرآن الكريم.

- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴). *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*، تهران: دار الکتب الاسلامی.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۱۰). *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار* علیه السلام بیروت: مؤسسة الطبع والنشر.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۱۲). *بیست و پنج رساله فارسی*، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۹۵). *بررسی فقهی حقوق خانواده: نکاح و انحلال آن*، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- محقق کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴). *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام.
- محمودی، عبدالحسین (۱۳۸۱). *حقوق قبل از ازدواج*، تهران: مبعث.
- مسعودی فر، رضا (۱۳۸۵). *حدود و نحوه اجرای آن در محاکم قضایی*، تهران: نسل نوین.
- مغنیه، محمد جواد (۱۳۷۹). *فقه الامام جعفر الصادق* علیه السلام قم: انصاریان.
- مفید، محمّد بن محمد (۱۴۱۳). *المقنعة*، قم: کنگره جهانی شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷). *استفتائات جدید*، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۴۲۱). *استفتائات*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۴۲۶). *توضیح المسائل*، بی جا: بی نا.
- موسوی خویی، سید ابو القاسم (۱۴۱۲). *توضیح المسائل*، قم: مؤسسة احیاء آثار الامام الخوئی.
- موسوی خویی، سید ابو القاسم (۱۴۱۸). *موسوعة الامام الخوئی*، قم: مؤسسة احیاء آثار الإمام الخوئی.
- میرزای قمی، ابو القاسم (۱۴۱۳). *جامع الشتات فی أجوبة السؤالات*، تهران: مؤسسه کیهان.
- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- وحید خراسانی، حسین (۱۴۲۸). *توضیح المسائل*، قم: مدرسه امام باقر علیه السلام.
- یوسفزاده، مرتضی (۱۳۹۰). *حقوق مدنی ۵ خانواده*، تهران: شرکت سهامی انتشار.

References

- The Holy Qurān, 1997. Translated by Nāṣir Makārim Shīrāzī, Qom: Daftar-i Muṭāli‘āt-i Tārīkh wa Ma‘ārif-i Islāmī-yi Dār al-Qurān al-Karīm (Office of Islamic History and Education Studies of Dār al-Qurān al-Karīm).
- Āmulī. Mīrzā Hāshim. 1986. *Al-Ma‘ālim al-Ma‘thūrah*, Qom: Mu’allif al-Kitāb. [in Arabic]
- ‘Alam al-Hudā, Murīdā. 1994. *Al-Intiṣār fī Infirādāt al-Imāmīyah*, Qom: Islamic Publications Office. [in Arabic]
- ‘Azīziyān Fārisānī, Marayam; Mulawī Wardanjānī, Sa‘īd. 2017. "Jurm Ingārī-yi Hamjinsgirāyī bā Rūykard-i Intiqādī bi Māddih-yi 237 q.m.a (The Criminalization of Homosexuality with a Critical Approach to Article 237 of the Penal Code.)". In: *Muṭāli‘āt-i Fiqh wa Huqūq-i Islāmī (Studies of Islamic Jurisprudence and Law)*, no.17, pp.183-206. [in Farsi]
- ‘Āmilī Juba‘ī (Shahīd Thānī), Zayn al-Dīn ibn ‘Alī. 1989. *Al-Rawḍah al-Bahīyah fī Sharḥ al-Lum‘ah al-Dimashqīyah (The Beautiful Garden in the Explanation of the Damascus Shine)*, Qom: Dāwarī Bookstore. [in Arabic]
- ‘Āmilī Juba‘ī (Shahīd Thānī), Zayn al-Dīn ibn ‘Alī. 1992. *Masālik al-Afhām ilā Tanqīḥ Sharā‘i‘ al-Islam (The Schools of Understanding in the Explanation of Sharā‘i‘ al-Islam)*, Qom: Mu’assisah al-Ma‘ārif al-Islāmīyah (Islamic Teachings Institute). [in Arabic]
- A Group of Researchers. 1996. *Mu‘jam Fiqh al-Jawāhir*, Under the Auspices of Maḥmūd Shāhrūdī, Qom: Al-Ghadīr li al-Ṭibā‘ah wa al-Nashr wa al-Tuzī‘. [in Arabic]
- Arākī, Muḥammad ‘Alī. 1998. *Kitāb Nikāḥ (Marriage Book)*, Qom: Nūrnigār. [in Arabic]
- Baṭḥāyī Gulpāyegānī, Hāshim. 2003. "Barguzīdih-yī az Ṭarḥ-i Āyāt al-Aḥkām-i Jazāyī-yi Qurān Majīd (Excerpts from the Proposal of the Penal Verses of the Holy Quran)". In: *Majālīh-yi Dānishkadīh-yi Huqūq wa ‘Ulūm-i Sīyāsī (Journal of the Faculty of Law and Political Sciences)*, no.64, pp.1-14. [in Farsi]
- Bayāt, Farhād; Bayāt, Shīrīn. 2014. *Huqūq-i Madanī Sharḥ-i Jāmi‘-i Huqūq-i Madanī (Civil Code; Comprehensive Description of Civil rights)*, Tehran: Arsha. [in Farsi]
- Bihbahānī, Muḥammad ‘Alī ibn Wahīd. 2000. *Maqāmi‘ al-Faḍl*, Qom: Mu’assisah ‘Allāmīh Mujaddid Wahīd Bihbahānī. [in Arabic]

- Fāḍil Miqdād Siywarī, Miqdād ibn ‘Abdullāh. 1984. *Al-Tanqīh al-Rā’i’ li Mukhtaṣar al-Sharā’i’*, Qom: The Library of Ayatullāh Mar‘ashī Najafī. [in Arabic]
- Fāḍil, Hindī, Muḥammad ibn Ḥasan. 1995. *Kashf al-Lithām wa al-Ibhām ‘an Qawā’id al-Ahkām (Eliminating the Veil and Ambiguity from the Principles of Rulings)*, Qom: Al-Nashr al-Islāmī Institute. [in Arabic]
- Fāḍil, Lankarānī, Muḥammad. 2000. *Tafṣīl al-Sharī‘ah fī Sharḥ Tahrīr al-Wasīlah; Nikāḥ (The details of the Sharia in the Explanation of Tahrīr al-Wasīlah; Marriage)*, Qom: Jurisprudential Center of the Pure Imams. [in Arabic]
- Fāḍil, Lankarānī, Muḥammad. 2001. *Tafṣīl al-Sharī‘ah fī Sharḥ Tahrīr al-Wasīlah; Al-Ḥudūd (The details of the Sharia in the Explanation of Tahrīr al-Wasīlah; Limitations)*, Qom: Jurisprudential Center of the Pure Imams. [in Arabic]
- Farāhīdī, Khalīl ibn Aḥmad. 1989. *Kitāb Al-‘Iyn*, Qom: Hijrat Institute. [in Arabic]
- Farāsīyūn, Farhang. 1965. "Muṣāhirat (Kinship)". In: *Majallih Kānūn*, no.7, pp.57-63.
- Fiyḍ Kāshānī, Muḥammad Muḥsin. 1986. *Al-Wāfi*, Iṣfihān: Kitābkhānih Imām Amīr al-Mu‘minīn ‘Alī (AS).
- Gulpāyḡānī, Muḥammad Riḍā. 1988. *Majma‘ al-Masā’il (The Collection of Issues)*, Qom: Dār al-Qurān al-Karīm. [in Arabic]
- Gulpāyḡānī, Muḥammad Riḍā. 1991. *Al-Durr al-Mandūd fī Ahkām al-Ḥudūd*, Qom: Dār al-Qurān al-Karīm. [in Arabic]
- Hā’irī Shāhbāgh, ‘Alī. 1956. *Sharḥ-i Qānūn-i Madanī (Description of the Civil Code)*, Tehran: Ganj-i Dānish. [in Farsi]
- Hāyirī Ṭabātabāyī, ‘Alī ibn Muḥammad. 1997. *Rīyāḍ al-Masā’il fī Taḥqīq al-Ahkām bi al-Dalā’il*, Qom: Mu’assisah Āl al-Bayt. [in Arabic]
- Hillī, Ḥasan ibn Yūsuf. 2009. *Tadhkirah al-Fuqahā (Remembrance of Jurists)*, Qom: Mu’assisah Āl al-Bayt (The Prophet’s Household Institute). [in Arabic]
- Ḥurr ‘Āmilī, Muḥammad ibn al-Ḥasan. 1988. *Wasā’il al-Shī‘ah ilā Taḥsil Masā’il al-Sharī‘ah (Shiite Means of Accessing Sharia Issues)*, Qom: Mu’assisah Āl al-Bayt. [in Arabic]
- Ḥusiyīnī Ruḥānī, Ṣādiq. 1991. *Fiqh al-Ṣādiq (AS)*, Qom: Dār al-Kitāb, Madrisah al-Imām al- Ṣādiq (AS). [in Arabic]
- Ḥusiyīnī, Siyyid Hādī. 2018. "Tafāwut-hāyī Bīyuluzhīk-i Zan wa Mard: Badan,

- Rawān wa Hūsh (Biological Differences between Men and Women: Body, Mind and Intelligence). In: *Kitāb Naqd*, no.217, pp.220-259.
- Ibn Fāris Zakarīyā, Aḥmad. 1984. *Mu'jam Maqāyīs al-lughah (Dictionary of Comparative Language)*, Qom: Qom Seminary Islamic Propaganda Office. [in Arabic]
- Ibn Idrīs Ḥillī, Muḥammad ibn Mansūr ibn Aḥmad. 1989. *Al-Sarā'ir al-Hāwī li Tahṛīr al-Fatāwī (Secrets of Rule Writing)*, Qom: Islamic Publications Office. [in Arabic]
- Imāmī, Ḥasan. n.d. *Ḥuqūq Madanī (Civil Code)*, Tehran: Islāmīyih. [in Farsi]
- Ja'farzādih, 'Alī. 2011. *Ḥuqūq-i Madanī-yi Khāniwādih: Nikāḥ wa Inḥilāl-i Ān (Family Civil Rights: Marriage and its Dissolution)*, Tehran: Jāwdānih wa Jangal. [in Farsi]
- Ja'farī Langirūdī, Muḥammad Ja'far. 1989. *Ḥuqūq-i Khāniwādih (Family Rights)*, Tehran: Ganj-i Dānish. [in Farsi]
- Ja'farī Langirūdī, Muḥammad Ja'far. 2007. *Durih-yi Mutiwassīṭ-i Ḥuqūq-i Madanī-yi Khāniwādih (Intermediate Family Civil Rights Course)*, Tehran: Ganj-i Dānish. [in Farsi]
- Kātūziyān, Nāshir. 2005. *Ḥuqūq-i Khāniwādih (Family Rights)*, Tehran: Mīzān, Fourth Edition. [in Farsi]
- Khājūyī Māzandarānī, Muḥammad Ismā'īl. 1997. *Jāmi' al-Shatāt (Collection of Scattered Issues)*, Qom: Islamic Publications Office. [in Arabic]
- Khānsārī, Aḥmad ibn Yūsuf. 1985. *Jāmi' al-Madārik fī Sharḥ Mukhtaṣar al-Nāfi' (Comprehensive Proofs in the Explanation of the Useful Booklet)*, Qom: Ismā'īliyān Institute. [in Arabic]
- Kuliynī, Muḥammad ibn Ya'qūb. 1987. *Al-Kāfi*, Tehran: Dār al-Ḥadīth li al-Ṭibā'ah wa al-Nashr. [in Arabic]
- Maḥmūdī, 'Abd al-Ḥusiyūn. 2002. *Ḥuqūq-i Qabl az Izdiwāj (Premarital Rights)*, Tehran: Mab'ath. [in Farsi]
- Majlisī, Muḥammad Bāqir. 1984. *Mir'āt al-'Uqūl fī Sharḥ Akhbār Āl al-Rasūl (Mirror of Minds in Explaining the Narrations of the Messenger Family)*, Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmī. [in Arabic]
- Majlisī, Muḥammad Bāqir. 1989. *Biḥār al-Anwār al-Jāmi'ah li Durar Akhbār al-A'imah al-Aṭḥār (Oceans of Light, the Collection for Pearls of Narrations of the*

- Infallible Imams*), Beirut: Mu'assisah al-Ṭab' wa al-Nashr. [in Arabic]
- Majlisī, Muḥammad Bāqir. 1991. *Bīstu Panj Risālih Farsi (Twenty-five Persian Treatises)*, Qom: Ayatollah Mar'ashī Najafī Library. [in Farsi]
- Makārim Shīrāzī, Nāsir. 2006. *Istiftā'āt Jadīd (New Inquiries)*, Qom: Imam 'Alī ibn Abi-Ṭālib School. [in Farsi]
- Mas'ūdīfar, Riḍā. 2006. *Ḥudūd wa Naḥwih-yi Ijrāyi Ān dar Maḥākīm-i Qaḍāyi (Limits and Methods of Their Implementation in Judicial Courts)*, Tehran: Nasl Nuwīn. [in Farsi]
- Mīrzāy Qummī, Abulqāsim. 1992. *Jāmi' al-Shatāt fī Ajwabah al-Su'ālāt (Collection of Scattered Questions)*, Tehran: Mu'assisah Kiyhān. [in Arabic]
- Mufīd, Muḥammad ibn Muḥammad. 1992. *Al-Muqni'ah*, Qom: Sheikh Mufīd World Congress. [in Farsi]
- Mughnīyah, Muḥammad Jawād. 2000. *Fiqh al-Imām Ja'far al-Šādiq (AS)*, Qom: Anšārīyān. [in Arabic]
- Muḥaqqiq Dāmād, Siyyid Muštāfā. 2016. *Barrisī-yi Fiqhī-yi Ḥuqūq-i Khāniwādih: Nikāh wa Inḥilāl-i Ān (Jurisprudential Study of Family Law: Marriage and its Dissolution)*, Tehran: Islamic Sciences Publishing Center. [in Farsi]
- Muḥaqqiq Karakī, 'Alī ibn Ḥusiyn. 1993. *Jāmi' al-Maqāsid fī Sharḥ al-Qawā'id (Collection of Intentions in Explaining the Rules)*, Qom: Mu'assisah Āl al-Bayt. [in Arabic]
- Mūsawī Khumiynī, Rūḥullāh. 2000. *Istiftā'āt (Inquiries)*, Qom: Islamic Publications Office.
- Mūsawī Khumiynī, Rūḥullāh. 2005. *Tuḍīḥ al-Masā'il (Explanation of Issues)*, n.p: n.pub.
- Mūsawī Khuyī, Siyyid Abulqāsim. 1991. *Tuḍīḥ al-Masā'il (Explanation of Issues)*, Qom: Mu'assisah Iḥyā' Āthār al-Imām al-Khū'ī (Institute for the Revival of al-Imām al-Khū'ī's Works). [in Arabic]
- Mūsawī Khuyī, Siyyid Abulqāsim. 1997. *Musū'ah al-Imām al-Khū'ī (Encyclopedia of Imam al-Khū'ī)*, Qom: Mu'assisah Iḥyā' Āthār al-Imām al-Khū'ī (Institute for the Revival of al-Imām al-Khū'ī's Works). [in Arabic]
- Najafī, Muḥammad Ḥasan. 1984. *Jawāhir al-Kalām fī Sharḥ Sharā'i' al-Islām (The Jewel of the Words in the Explanation of Islamic Law)*, Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī. [in Arabic]

- Qāsimzādih, Siyyid Murtdā; Rahpiyk, Ḥasan; Kīyāyī, ‘Abdullāh. 2003. *Tafsīr-i Qānūn-i Madanī (Interpretation of Civil Law)*, Tehran: Samt. [in Farsi]
- Qummī, ‘Abbās. 2002. *Al-Ghāyah al-Wuthqā fī Tarjimah ‘Urwah al-Wuthqā*, Corrected by ‘Alī Ridā Asadullāhī Fard, Qom: Ṣubḥ Pīrūzī. . [in Arabic]
- Rāghib Iṣfahānī, Ḥusayn ibn Muḥammad. 1984. *Mufradāt Alfāz al-Quran (Lexicon of the Quran)*, n.p: Daftar Nashr al-Kitāb. [in Farsi]
- Rajabī Aṣl, Mahdī. 2014. "Lawāt (Sodomy)". In: <https://b2n.ir/996507>.
- Rasūlī Zakarīyā, ‘Alī. 2017. *Sharḥ-i Qānūn-i Madanī dar Rawīyih-yi Ḥuqūq-i Kunūnī (Description of Civil Law in Current Legal Procedure)*, Tehran: Kitāb Āwā. [in Farsi]
- Sabziwārī, ‘Abd al-’A’lā. 1992. *Muhadhdhab al-Aḥkām (Refined Rules)*, Qom: Al-Minār Institute, Daftar-i Ayatollah. [in Arabic]
- Shubiyūrī Zanjānī, Mūsā. 1998. *Kitāb Nikāḥ (Marriage Book)*, Qom: Ra’ypardāz Research Institute. [in Arabic]
- Subḥānī Tabrīzī, Ja’far. 1996. *Nizām al-Nikāḥ fī Sharī’ah al-Islāmīyah al-Gharrā’ (The System of Marriage in the Glorious Islamic Law)*, Qom: Mu’assisah al-Imām al-Ṣādiq (AS), First Edition. [in Arabic]
- Ṭabāṭabāyī Ḥakim, Muḥsin. 1995. *Mustamsik al-‘Urwah al-Wuthqā*, Qom: Mu’assisah Dār al-Tafsīr. [in Arabic]
- Ṭabāṭabāyī Yazdī, Muḥammad Kāzim. 1988. *Al-‘Urwah al-Wuthqā ma’a Ta’ālīq al-Imām al-Khumiynī*, Beirut: Mu’assisah al-’A’lamī, First Edition. [in Arabic]
- Ṭabāṭabāyī, Siyyid Muḥammad Ḥusayn. 1996. *Al-Mīzān fī Tafsīr al-Qurān (The Yardstick of the Interpretation of the Qurān)*, Qom: Mu’assisah al-Nashr al-Islāmī. [in Arabic]
- Ṭāhirī, Ḥabībullāh. 1997. *Ḥuqūq Madanī (Civil Code)*, Qom: Islamic Publications Office. [in Farsi]
- Ṭūsī, Muḥammad ibn Ḥasan. 1980. *Al-Nihāyah fī Mujarrad al-Fiqh wa al-Fatāwī*, Beirut: Dār al-Kitāb al-‘Arabī. [in Arabic]
- Waḥīd Khurāsānī, Ḥusayn. 2007. *Tuḍḥ al-Masā’il (Explanation of Issues)*, Qom: Imam Bāqir (AS) School. [in Farsi]
- Yūsufzādih, Murtdā. 2011. *Ḥuqūq Madanī 5- Khāniwādih (Civil Rights 5 – Families)*, Tehran: Publishing Joint Stock Company. [in Farsi]